

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل بیست و نهم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل بیست و نهم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهل فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند شوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل بیست و نهم طرق استفاده از تکالیف

استفاده از میز مشاوره خانگی

در کتاب ”شایستگی مشاور مسیحی“^(۱)، راجع به میز مشاوره خانگی^(۲) این را نوشتم: ”یک راه عملی برای بدست آوردن اهداف فصل ۴ افسسیان، این است که متقاضیان را تشویق کنید تا میز مشاوره خانگی را ایجاد کنند. خانواده ها تشویق شده اند هر روز عصر، دور میز (ترجیحاً میزی که معمولاً بخاطر موضوع های دیگری استفاده نمی شود) نشسته و راجع به مسائلشان گفت و گو کنند. استفاده از میز اهمیت بسیاری دارد. میز افراد را دور هم جمع می کند. نوشتن نیز به آسانی روی میز انجام می شود. زمانی که لازم می شود به دور میز آمد ممکن است احساسات را نیز آرام کند،

امثال ۱۴

۲۹: شخص دیرخشم از درک بسیار برخوردار است، اما تندخو حماقت را به نمایش می گذارد.

و همچنین مشکل است وقتی طرفین نشسته اند گفت و گویی را ترک کرد. میز مشاوره خانگی پس از مدتی نشانه امید را نیز بخود خواهد گرفت؛ جایی که قبلاً مسائل با پیروزی حل شده اند. کمتر اشخاصی که به مشاوره مسیحی رجوع می کنند عادت به حل روزانه مسائل میان فردی دارند. این یکی از دلایلی است که با دیگران مشکل دارند. افرادی که مدت ها است از هم دلخورند و تبدیل به خشم و تنفر گردیده، دیده اند که اجسام و اماکن بخصوص کمک کرده تا الگو های رفتار قدیم را با الگوهای رفتار جدید عوض نمایند. اماکن خاصی که برای موضوع های روحانی استفاده می شوند، کمک بزرگی به اطاعت و انضباط روحانی می کنند. بهترین طریق حل مسائل میان افراد خانواده تعیین وقت خاص و محل خاص برای بحث و گفتگو پیرامون مسائل می باشد. بنیاد جلسات میز مشاوره خانگی، مانند هر عادت جدیدی، لازم به نظم و تکرار دارد. بهتر آن است روزانه دور همان میز، و در همان ساعت جلسات را انجام رساند. دانشجویی که معمولاً روی همان میز درس می خواند، متوجه می شود که آن جا روحیه و افکارش برای درس خواندن تقویت می شد. اما دانشجویی که بعضی مواقع دور میز درس می خواند و مواقع دیگر روی تخت خواب می نشیند، کار را برای خود مشکل می کند. نه تنها مکانی را بعنوان جای درس خواندن خود فراهم نساخته (و از مزایای ارتباط اماکن با کار های بخصوص بی بهره مانده)، بلکه بعکس، حاصل معکوس را بدست می آورد، چون تخت خواب با خوابیدن ارتباط دارد. وقتی وارد تخت خواب می شویم، خود بخود به فکر خواب می رویم، و آن بدون شک مساعد درس خواندن نیست. دانشجویی که مسمم است روی میز درس هیچ کار دیگری بجز درس خواندن را انجام ندهد، در صورتی که افکارش در حال درس خواندن پراکنده شد و خیال بافی کرد، باید بلافاصله از میز دور شود تا چنین افکاری رابطه خود را با میز درس پیدا نکنند. برای همین است که میز مشاوره خانگی نیز مکانی است که خانواده دور هم جمع می شوند تا مسائلشان را از طریق ارتباط مسیحی حل کنند^(۳). نباید اجازه به چیز دیگری بدهند (خصوصاً جنگ و جدال یا حرف های کوبنده). پس

از مدتی (معمولاً سه هفته یا کمی بیشتر)، خواهند دید که تنها با نشستن دور میز، افکار صحیحی در راستای گفتگو ایجاد خواهد شد.

قوانین نشست دور میز مشاوره خانگی باید اجرا شوند. پدر یا شوهر بعنوان سر خانه عهده دار ریاست مشاوره می باشد (۴). مادر یا زنان معمولاً نقش منشی و برداشت یادداشت های جلسه را بعهده می گیرند. کلام خدا نیز در این جلسات خوانده می شود تا آنچه خدا از جلسات می خواهد قبل از شروع گفتگو، بیاد آورده شود.

دور این میز، هر کس شروع به صحبت راجع به عکس العمل خودش نسبت به مسئله موجود خواهد کرد (ابتدا اعتراف به اشکال خود و تعریف آن که چگونه باید باشد. به این شکل در خصوص بد گوئی هایی که دیگران خواهند کرد پیشدستی کرده است). او صحبت راجع به آنکه چگونه بطور ناصحیح به دیگران عکس المل نشان داده (چطور حسود بوده، خشمگین و از روی کینه رفتار کرده، و غیره) و به گناهان خودش اعتراف می کند. سپس در خواست بخشش و کمک از دیگران را می کند. درخواست کمک مهم و لازم است، چون نمی خواهد در آینده تکرار شود. خانواده باید مسئله را موشکافی کنند تا از وسوسه تکرار آن جلوگیری کنند. معمولاً در طول اجرای این جلسات، راه کمک عملی لازم است و همه باید در اجرای آن نیز، کمک کنند. وقتی شخصی شروع به صحبت راجع به خودش می کند، و توجه را تمرکز بر ضعف ها، بیم و هراس ها، و گناهان خود می کند، ارتباط سالم برقرار می شود. اگر ابتدا دلیل رفتار ناصحیح خود را گردن شخص دیگری می انداخت، برخورد ایجاد می گردید و ارتباط سالم برقرار نمی شد. اما وقتی شخصی شروع به صحبت راجع به خودش می کند (طرف مقابل خواهان صحبت راجع به او است)، ارتباط برقرار می شود. بینش هر دو به یک جانب خواهد بود و تمرکز بر ضعف های یک شخص می گردد. به این شکل، موقعیت برای هر شخص فراهم می شود تا راجع به خودش صحبت کند.

وقتی اعضای یک خانواده به گناهان خود به همدیگر اعتراف می کنند، متوجه می شوند که می توانند از یکدیگر کمک بخواهند. بدون چنین ارتباطی کمک نمی تواند صورت بگیرد. با اعتراف کردن و دریافت بخشش، توجه از جانب شخص به مسئله انتقال می یابد. با حذف جنبه شخصیتی موضوع، خانواده خواهند توانست راجع به حل مسئله صحبت نمایند.

اگر در جریان گفتگو، یکی از طرفین قوانین جلسه را فراموش کند و احساسات بر انگیخته شده و بحث و جدال پیش آید، کاری در این صورت باید کرد. ارتباط حتی در دور میز مشاوره خانوادگی ممکن است قطع گردد. یک راه ساده، انجام کاری است که قبلاً مورد تایید همه قرار گرفته. هر زمان که یک نفر متوجه می شود چیزی درست نیست، از روی صندلی بلند می شود. او حرفی نمی زند، بلکه به آرامی بر پا می خیزد. این نشانه ای است، از قبل تعیین شده، که به نظر یکی از طرفین گفتگوی دور میز، شخصی دست از مشورت برداشته است؛ شخصی رفتارش مانند قبل از مسیحی شدنش شده است. هر وقت یکی از طرفین بر پا می خیزد، بقیه افراد متوجه می شوند که یکی از قوانین رفتاری که در افسسیان ۴ آمده شکسته شده است. اگر شخصی متوجه می شود که اشتباه کرده، یا حتی برداشت نادرستی از قوانین مشاوره دور میز داشته (فرقی ندارد کدام)، او باید چنین حرفی را بزند، ”خوب من فهمیدم چه می گوئید. خواهش می کنم بنشینید و بجای جدال با هم راجع مسئله گفتگو کنیم“. اگر قانونی را شکسته است باید از دیگران عذر خواهی کند.

گفتگوی دور میز بخاطر پرخاش و حمله به اشخاص ایجاد نشده. وقتی هر یک راجع به مسائل خودش گفتگو کند، راجع به مسائل دیگری که در روز اتفاق افتاده صحبت خواهد کرد. او حقیقت را خواهد گفت، اما همیشه با محبت (آیه ۱۵)، و همیشه با نیت کمک کردن. همه این کار ها ممکن است ابتدا غیر عادی و مشکل بنظر برسد. حتی ممکن است بنظر احمقانه آید که چنین کار هایی را

باید انجام داد. اما اگر فکرش را بکنید، بسیاری از کار هائی که امروز می کنیم نیز قبلاً بنظر احمقانه می آمد. هر یک خاطره روز اول دوچرخه سواری، پاتیناژ روی یخ، یا اتوموبیل رانی را داریم که رفتارمان چقدر احمقانه بنظر می رسید. غیر طبیعی بنظر می رسید. عادت کردن به کاری (زمانی که بنظر طبیعی خواهد آمد)، زمان زیادی را نمی خواهد. با تکرار روزانه، عادت صورت می گیرد. وقتی شخصی برای بار اول پشت فرمان اتوموبیل می نشیند، احساس غریبی و حماقت می کند، و تعجب می کند چگونه خواهد توانست هم زمان، چشم و دست و پای هایش را کنترل کند. اما پس از یک یا دو ماه رانندگی، در تاریکی مطلق می تواند اتوموبیل را روشن کند، و در حال رانندگی بحث درازی را راجع به مبحث پیچیده الهیات را دنبال کند. سه یا چهار هفته گفتگوی دور میز خانوادگی چنین کاری را طبیعی و عادی خواهد نمود. غالب های ساختمانی تنها تا زمانی که سیمان سفت نشده، لازم به نگه داری است(۵).

زن و شوهرانی که برایشان مشکل است رابطه جنسی باهم داشته باشند، معمولاً بخاطر آن است که در طول روز مسئله ای داشته اند که حل نشده است. گفتگوی دور میز روزانه به این موضوع کمک بزرگی را می کند. نمی توان مسائل روز را وارد تخت خواب کرد و انتظار داشت خوش نیز بگذرد.

مشاوره های مسیحی عموماً وجود مسئله شکست ارتباط را نشان داده اند. یک نمونه از آن را تعریف خواهم کرد. خانواده ای که دو پسر و یک دختر نوجوان داشتند به جلسه مشاوره مسیحی روی آوردند. روز اول، خانواده با پسر بزرگشان آمدند و گفتند که با او مشکل ارتباط با او را دارند. مشاور متوجه شد که اصولاً ارتباطی میان والدین و این فرزند وجود نداشت. صحبت راجع به میز گفتگوی خانوادگی شد، ولی والدین ارزشی را در آن نمی دیدند. بخاطر نشان دادن ارزشی که دارد، مشاور مجبور شد گفتگوئی را میانشان در همان جلسه شروع کند. ارتباطی که بر قرار شد به حدی بود که یکی از والدین گفت، ”من نمی دانستم پسرم چنین عقایدی را دارد.“ ارتباط بقدری خوب پیش می رفت که مشاور کاری بجز نشستن و گوش دادن نداشت. در پایان وقت جلسه نیز، هنوز گفتگو بر قرار بود تا جایی که مشاور صدایشان را در پارکینگ اتوموبیل ها می شنید. دو ساعت بعد مادرشان زنگ زد و گفت، ”ما هنوز داریم با هم صحبت می کنیم. مشکل اینجا است که حال دخترمان می خواهد وارد گفتگو بشود و نمی دانیم چکار کنیم.“ مشاور قوانین گفتگوی دور میز را برای دخترشان نیز بازگو کرد، و از آن پس این خانواده مشکل ارتباطی نداشته اند.

قوائد مشاوره دور میز

مکان

مکانی را در نظر بگیرید که میتوان در آن مشورت را بدون مزاحمت و تعویق انجام رساند. میزی را که برای کار دیگری استفاده نمی شود را انتخاب کنید. جلسات مشاوره را دور این میز انجام رسانید. هر وقت مسئله ای خارج از دور میز ایجاد شد، سعی کنید تنها زمانی که دوباره دور میز گرد هم آمدید راجع به آن مشورت کنید. در هفته اول، هر شب قبل از شروع جلسات افسساین ۴: ۱۷ تا ۳۲ را بخوانید.

..... مکان

..... زمان

هدف

میز مشاوره خانگی مکانی است برای مشورت، نه مشاجره. با صحبت راجع به خود شروع کنید. راجع به ضعف و گناهان خود صحبت کنید، و قبل از صحبت راجع به موضوع های دیگر، از همه طالب بخشش بگردید. همچنین درخواست کمک کنید (متی ۷: ۴ - ۵). حقایق را در محبت فاش ننمائید. نگذارید موردی به دفعات دیگر موکول شود. البته معمولاً همه مسائل را نمی توان در یک جلسه حل کرد. ممکن است لازم باشد فهرستی از موضوع های مربوط به خود را تهیه کنید تا موردی فراموش نگردد. قبل از استفاده از آن، اولویت هر مورد را شماره گذاری کنید. انرژی خود را صرف شکست دادن مسئله کنید، نه شخص مقابل خود. حذف شما دسترسی به راه حل های کلام خدا است، نتیجتاً کتاب مقدس را همیشه در دسترس خود داشته باشید. با دعا جلسات را شروع کنید (از خدا بخواهید اعضای دور میز را با روح القدس مسح کرده و هدایت کند تا خواست او در جلسه انجام بگیرد)، و با دعا نیز ختم کنید (از خدا بخواهید به اعضای دور میز قدرت آن را بدهد تا آنچه مورد بحث قرار گرفته شد آنگونه که خدا می خواهد اجرا گردد). هر گاه نیاز به کمک دارید به افسسیان ۴: ۲۵ - ۳۲ رجوع نمائید.

رویه کار

اگر یکی از اعضای دور میز مشاوره عمداً سکوت را اختیار کند، پرخاش یا چیزی بجز بحث و گفتگو را انجام می دهد، بقیه اعضا باید در سکوت بر پا خیزند. این نشانه آن است که "به نظر من مشاورت قطع شده می باشد". کار خلاف او که باعث بر پا شدن بقیه شد اهمیت ندارد و فعلاً لازمه گفتگو نیست. شخصی که مرتکب خلاف شده باید سپس موافقت خود را با ادامه به گفتگو اعلام کند، و از بقیه بخواهد بر صندلی های خود بنشینند.

در بعضی مواقع لازم است از زن و شوهران خواست جلسات خصوصی مشاوره خود را بگونه ای که صحبت از آن شد اجرا کنند (۶) (معمولاً سه جلسه). در این جلسات تنها از آن ها خواسته می شود هر یک فهرستی از گونه های مختلفی که نتوانسته اند نقش خود را بعنوان زن و شوهر اجرا کنند را روی کاغذ یادداشت کنند. باید از آن ها خواست صد نمونه را یادداشت کنند تا بتوان اطمینان داشت که موردی از یاد نرفته و یا کوچک شمرده نشده است. مشاوره می تواند چنین بگوید:

"این فهرست هفتاد تا صد شماره بندی شده باید دقیق باشد. باید شامل وارداتی چون، "من از یاد می برم سالروز ازدواجمان را به زخم تیریک بگویم؛ غذای خوبی برای شوهرم فراهم نمی کنم؛ من دائماً به شوهرم نق می زنم" باشد. البته موضوع های واجب تری چون: "من دیگر شوهرم را دوست ندارم" را در صورت لازم، از یاد نبرید. توجه کنید که در ابتدا از شما خواسته شده چوب را از چشم خود در بیاورید؛ تمرکز بر ضعف و گناهان خود بکنید. جلسات اولیه باید بطور کل به چنین موارد طعلق بگیرد. تنها زمانی که به تمام ضعف های خود اعتراف کرده و در مورد آنها صحبت های لازم را کردید، آنوقت می توانید راجع به مسائل طرف مقابل خود بحث و گفتگو کنید. پس از آن که هر یک نارسائی های خود را در قبال دیگری، ثبت کرد، خطی زیر آن کشیده و فهرست یاد شده را به زوج مقابل خود بدهید تا او آنچه به نظرش باید اضافه گردد را نیز زیر خط کشی شما یادداشت کند. اگر به خوبی توانسته اید ضعف ها و نارسائی های خود را افشا کنید، تعداد نوشته های شما باید لااقل دو برابر نوشته های زوج شما باشد.

حال بگذارید احتیاط های لازم را در خصوص تهیه این فهرست به شما بدهم. مقصودی که در این کار است، عوامل آن، استفاده ای که از آن برده می شود، و راهنمایی لازم جهت اجرای خوب آن را بکنم.

اولاً، راجع به هر یک از موارد درج شده بحث یا مشاجره نکنید. سعی نکنید هیچ یک از مسائل درج شده را حل کنید. تکلیف شما در ابتدا، تهیه فهرست لازم می باشد. حتی اگر معلوم است طرف مقابل شما سوتفاهم بزرگی نسبت به یکی از موارد درج شده دارد، راجع به آن صحبت نکنید. این کار را به روز و جلسه بعد موکول نمایید. فرآورده جانبی که آید شما خواهد شد، صبر خواهد بود.

دوماً، اگر یکی از طرفین مرتکب خطی (خشمگین یا مشاجره گر یا ساکت) شد، راجع به آن بحث نکنید، بلکه در سکوت بر پا خیزید، و به این گونه نشان دهید که خواستار ادامه مشاوره می باشید.

سوماً، لازم است شوهر خانه وظیفه رهبری جلسات را با شروع و خاتمه سر وقت آن بعهده گیرد (راجع به وظیفه رهبری شوهر بعداً بیشتر صحبت خواهم کرد) (۷). این هفته، افسسیان ۴: ۲۵ تا ۳۲ را در یکی از اناجیل ترجمه جدید بخوانید و ببینید خدا چگونه ارتباطی را میانتان می خواهد صورت بگیرد. همچنین با دعا جلسات را آغاز و خاتمه دهید. زن خانه می تواند نقش منشی جلسات را به عهده گرفته و صورت جلسات را فراهم سازد.

حال بپردازیم به اهمیت، عوامل، و استفاده از این فهرست. این فهرست حائز اهمیت است چون شامل شگفتی ها می باشد. شگفتی در آن خواهد بود که زوج شما چه مقدار از ضعف و نارسائی های شما خبر دارد. یا ممکن است تعجب کنید زوج شما چقدر برداشت ناصحیحی از شما دارد. در مورد این ها مشاجره نکنید، به یاد داشته باشید؛ به جای آن - گوش کنید و یاد بگیرید. همچنین ممکن است تعجب کنید چه موارد تازه ای در مورد شما عنوان شده است. و بالاخره، ممکن است از اولویت هایی که زوجتان دارد تعجب کنید.

فهرستی را که ایجاد می کنید از اهمیت زیادی برخوردار است، چون شالوده سه یا چهار روز کوشش متعهدی است که برای اولین بار بخاطر حل مسائل زناشویی خود صرف کرده اید. اما این تنها شروع کار است، و با امید به خدا باعث ایجاد ارتباط روزانه در مورد حل مسائل خواهد شد. در وقت خود، مشاوره دور میز تبدیل به مکانی برای حل مشترک مسائلتان خواهد شد. اما حال هنوز آماده آن نیستید. این هفته تنها می آموزید چگونه سنگ های ساختمانی را تهیه نمایید. بعداً شما را در بنای سنگ های "الف"، "ز"، "د"، "و"، و بالاخره "ج"، آموزش خواهم داد.

این فهرست ها هائز اهمیتند چون زمینه کار جلسات آینده ما را فراهم می سازند. در مورد بسیاری از این موارد با هم بر روی آن کار خواهیم کرد. نهایتاً، وقتی جریان کار برایتان عادی گردید، خود روی مسائل باقی مانده کار خواهید کرد. در حقیقت، آینده مشاوره ما بستگی به کیفیت کار شما دارد. در نتیجه، این تکلیف را دست کم نگیرید.

ممکن است تعجب کرده باشید که چرا جزئیات مختلف این کار بطور دقیق توضیح داده شده. دلایل متعددی برای آن هست. ابتدا، بسیاری از متقاضیان مشاوره مسیحی امیدشان را از دست داده اند (خصوصاً افرادی که با مراجعه به مشاوره های دیگر طعم شکست را چشیده اند)، و با نا امیدی و

انتظار کم مراجعه می کنند. در مشاوره هائی که تنها حرف و احساس بنای کار می باشند، تقریباً هیچ کاری انجام نمی شود. اما اینجا، از همان ابتدا با قضیه تازه ای روبرو می شوند؛ برنامه ای که شامل اهداف مشخص، طریق مشخص انجام کار، و قوانین کامل است رو برو می شوند. این راه امید را ایجاد می سازد. صحبت از تمام جزئیات در اولین جلسه، بهتری راه ایجاد امید خواهد بود.

علاوه بر آن، توجه کنید متقاضی چگونه مشاوره را شامل برنامه جامع می بیند، نه جلساتی که ربطی به هم ندارند. توجه کنید چگونه از آغاز، اتکا به انجام کلام خدا را می بیند. همچنین ببینید چطور تمرکز بر آن است که مشاوره شامل سرسپردگی، اشتیاق، و کوشش است. متقاضی از ابتدا متوجه می گردد که هیچ تکلیفی ناقابل نمی باشد و انجام دادن آن از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین، متقاضی متوجه می شود که مشاور انتظار زیادی از او دارد، اما نه بیش از آنچه لازمه هر مرحله می باشد.

فهرستی که در صفحه بعد (همراه یادداشت های مشاور) بعنوان نمونه فراهم شده نشان می دهد که چه مسائلی تک ریشه ای هستند و می توان در جلسات اولیه به حل آن ها رسیدگی کرد، و چه مسائلی پیچیده و نیاز به وارد کردن در دستور جلسه و رسیدگی بعد را دارند.

نمونه فهرست

(همراه یادداشت های مختصر مشاور)

شوهر

زن

۱. من آن طور که باید، به سعید اعتماد ندارم. **جزعیات بیشتری لازم است (چرا). موضوع بزرگی برای جلسات اولیه می باشد.**
۲. من سعی می کنم سعید را به جوانبی سوغ دهم. **جزعیات را بگیرد. چه جوانبی؟ به چه دلیل؟**
۳. من به او نق می زنم. **این را با شماره ۳ شوهر شروع کن.**
۴. من به بچه ها زیادی پرخاش می کنم. **همراه شماره ۵ سعید کار کن.**
۵. من خانه را تمیز نگاه نمی دارم. **تکلیف اول - جزعیات لازم است**
۶. من حسودم **از سعید پرس آیا دلیلی برای این هست؟**
۷. برای من تصمیم گرفتن مشکل است. **از او بخواهید ۳ یا ۴ نمونه بدهد.**
۸. من زود خشمگین میشوم. اگر موردی است که در فرم خصوصیات متقاضی نوشته شده، مورد اول است. اگر نه بعداً.
۹. من یادم میرود پیغام تلفن را به سعید بدم **راه حل را با کمک سعید پیدا کنید.**
۱۰. من نقش سر خانه را به زور بدست میگیرم **صحبت در جلسات بعد. همراه سعید ۷، ۵، ۲ فصل های کتاب زندگی در خانواده مسیحی**
۱۱. سعید با زنان چشم چرانی می کند. **۱۱. سعید با زنان چشم چرانی می کند. با شماره ۱ و ۶ رسیدگی شود.**
۱۲. او بقدر کافی در خانه نیست. **۱۲. او بقدر کافی در خانه نیست. ساعاتی که در روز هفته هست یدداشت شود**
۱۳. سعید خسته و کسل کننده است. **۱۳. سعید چگونه دوست دارید باشد؟ می خواهید سعید چگونه شوهری بگردد؟**
۱۴. او به ازدواج ما اهمیت نمی دهد. **۱۴. او به ازدواج ما اهمیت نمی دهد. چه باعث شده این را بگوئید؟**
۱. من در خواب خروپف می کنم و این او را ناراحت می کند. **این موضوع جنبه طبی دارد.**
۲. من جلسات عبادت روحانی خانوادگی را راه نمی اندازم. **موضوع خوبی برای شروع می باشد.**
۳. من بعضی اوقات مجبور میشم ساکت بمانم **موضوع خوبی برای جلسات ۲ یا ۳.**
۴. کار های اطراف خانه را تمام نکرده ام. **تکلیف اولیه - فهرست جزعیات.**
۵. من بچه ها را ادب نمی کنم. **تکلیف دوم - جزعیات - سپس فهرست "قوانین رفتار فرزندان"**
۶. من به احساسات نیلوفر اهمیت نمی دهم. **باز .. چگونه؟ ممکن است تکلیف اول ...**
۷. اگر می توانید جزعیات بگیرید. **اگر می توانید جزعیات بگیرید.**
۷. من تا دیر وقت کار می کنم. **همراه شماره ۱۱ نیلوفر.**
۸. من تقصیر را همیشه گردن نیلوفر می اندازم **شش نمونه را دریافت کنید**
۹. من عقاید را با حوصله تعریف نمی کنم. **جزعیات در جلسات بعد بدست آید.**
۱۰. من همه چیز میخوام مطابق خواست من انجام شود یا اینکه انجام نخواهد شد. **نمونه لازم است.**
۱۱. نیلافر وقتش بیشتر صرف بچه ها می شود تا من. **در جلسات اولیه باید رسیدگی شود.**
۱۲. او معمولاً از روابط جنسی امتناع می کند. **در دستور جلسه برای رسیدگی بعد.**
۱۳. او بمن فکر نمی کند. **۱۳. او بمن فکر نمی کند. چه باعث شده این را بگوئید؟**
۱۴. مادر نیلوفر در زندگی ما دخالت می کند. **۱۴. مادر نیلوفر در زندگی ما دخالت می کند. وارد دستور جلسه گردد.**

مشاور یادداشت های خود را کنار هر موضوع می نویسد تا چیزی از یاد برده نشود. فهرست خوب، بطوری که مشاهده می کنید (و نمونه آورده شده خلاصه و کوتاه شده می باشد) می تواند مشاور را مدت طولانی مشغول نماید. کار روی هر یک از این موارد ممکن است موارد دیگری را نیز افشا کند. اما حل هر یک از مسائل ممکن است شامل حل مسائل دیگر نیز بگردد(۸).

دلایل گردهم آئی دور میز مشاوره خانگی

مشاور می تواند از میز مشاوره خانگی استفاده های مختلفی بکند. بعنوان مثال، اگر زوجی بخاطر مشاوره قبل از ازدواج رجوع کرده باشند، میتوان نشست های متعددی را برای کشف مسائلی که امکان ایجاد کشمکش دارند، یا به چه خوبی یکدیگر را می شناسند، و آیا آمادگی ازدواج را دارند، ایجاد کرد. آمادگی برای ازدواج شامل دو مورد می باشد: (۱) آیا طرفین هر دو مسیحی هستند و از نظر کلام خدا واجد شرایط ازدواج می باشند (همراه با عدم وجود مسائل پس از طلاق قبلی(۹))؟ (۲) آیا هر دو خواستار حل مسائل از طریق استفاده از کلام خدا هستند؟ میز مشاوره خانگی بهتر از هر امکان دیگری این مطالب را روشن خواهد کرد.

مشاوره های خانگی را باید در رابطه با مشاوره قبل از ازدواج، تشویق کرد. این نوع گفت و گو ها باعث ایجاد ارتباط سالمی که قبلاً در رابطه با افسسیان ۴: ۲۵ تا ۳۲ از آن صحبت شد، می گردند. نتیجتاً، نه تنها میز مشاوره خانگی برای افشا و حل مسائل لازم است، بلکه برای جلوگیری از مسائل دیگر. اگر زن و شوهران قبل از ازدواجشان تشویق می شدند روی مسئله ارتباط با هم کار کنند، کمتر لازم می داشتند در وقوع بهران به آن روی آورند.

حل مسائل دیگر با استفاده از تکلیف

استفاده از الگو

تجزیه و تحلیل بسیاری از مسائل، به این نکته ختم می شوند که مسائل چند ریشه ای را نمی توان بکلی از هم سوا کرد. همچنین نمی توان راه و روش های مختلفی که باید آموخت را به آسانی فراهم کرد (مانند راه های عملی مشاوره مسیحی). بخاطر این، بهترین راه آموزش طرق خدا، مشاهده کسانی است که آموخته اند چگونه آن را انجام دهند. در کتابم "شایستگی مشاور مسیحی" Competent to Counsel، راجع به رابطه ای که این موضوع با کلام خدا دارد این را نوشتم:

حل مسائل از طریق استفاده از الگو

در دوم تسالونیکیان فصل سه، پولس راجع به انضباط صحبت کرد. مسیحیانی در شهر تسالونیکا بودند، که چون (اشتباهاً) شنیده بودند که برگشت عیسی مسیح قریب الوقوع می باشد، بنظرشان آمده بود که دیگر لازم نیست کار کنند. در نتیجه دست به فضولی و مفت خوری زدند. پولس رفتار آن ها "کاهلی" می خواند. سپس پولس می فرماید:

دوم تسالوکینیان ۳

۱۲: پس به نام خداوند عیسی مسیح چنین کسان را حکم می‌کنیم و پند می‌دهیم که آرام و قرار بگیرند و برای نانی که می‌خورند، کار کنند.

کسانی که ”آرام و قرار“ ندارند، بی نظم و تربیت هستند. زندگیشان فاقد اندیشه، برنامه، و درهم برهم است. مانند سربازانی رفتار می‌کردند که خارج از صف قدم برداشته بودند. پولس مستقیماً به مسئله حمله کرد:

دوم تسالوکینیان ۳

۶: ای برادران، به نام خداوند عیسی مسیح به شما حکم می‌کنیم که از هر برادری که کاهلی پیشه کرده است و مطابق تعلیمی که از ما گرفته اید رفتار نمی‌کند، دوری کنید.

بطوری که مشخص می‌باشد، در طول دوره کوتاهی که پولس در میان تسالونیکیان بود، راجع به اهمیت نوع زندگی که شامل نظم و ترتیب می‌باشد صحبت کرده بود. پولس ادامه می‌دهد،

دوم تسالوکینیان ۳

۷: زیرا خود می‌دانید که چگونه باید از ما سرمشق بگیرید. زمانی که ما با شما بودیم، کاهلی نکردیم

به عبارت کلی، پولس می‌گوید ”ما زندگی بی نظم و ترتیبی را میان شما نگذراندیم“. در نتیجه، ”از ما سرمشق بگیرید“. پولس به اهمیت انتخاب الگو بخاطر آموختن سازمان دادن به زندگی بارها تاکید کرده. نقشی را بازی کردن نیز می‌تواند راه خوبی واقع شود. نتیجتاً، پولس نه تنها از خوانندگان می‌خواست به حرف هایش گوش کنند، بلکه نوع زندگی که او و همراهانش در میانشان داشتند را به یاد آورند. معمولاً اصول و قواعد را می‌توان از طریق نمونه، بهتر نشان داد. پولس معمولاً از رفتار خودش استفاده کرد تا نمونه برای دیگران باشد. این را بطور مثال در فصل چهارم فیلیپیان می‌بینیم. در آنجا، پولس از خوانندگان نه تنها خواست ”هر آنچه راست است، هر آنچه والاست، هر آنچه درست است، هر آنچه پاک است، هر آنچه دوست داشتی و هر آنچه ستودنی است، بدان بیندیشید“ (۴: ۸)، بلکه:

فیلیپیان ۴

۹: آنچه از من آموخته و پذیرفته اید و هر آنچه از من شنیده و یا در من دیده‌اید، همان را به عمل آورید، که خدای آرامش با شما خواهد بود.

در فصل قبل نیز گفته بود:

فیلیپیان ۳

۱۷: ای برادران، با هم از من سرمشق بگیرید، و توجه خود را به کسانی معطوف کنید که مطابق الگویی که در ما سراغ دارید، رفتار می‌کنند.

پولس زندگی خودش را الگویی برای دیگران می‌دانست. این موضوع را نه تنها در فیلیپیان و دوم تسالونیکیان می‌بینیم، بلکه در چند جای دیگر نیز همین عقاید تکرار شده اند. بعنوان مثال، در اول قرنتیان ۴: ۱۶ می‌نویسد، ”پس از شما تمنا دارم از من سرمشق بگیرید“. همچنین در اول تسالونیکیان ۱: ۶ می‌گوید ”شما از ما و از خداوند سرمشق گرفتید...“. لغت یونانی mimaytace (که به زبان انگلیسی mimic خوانده می‌شود)، معنی فارسی تقلید را دارد. مشخص است که از طریق تقلید از او، آموختند. سپس پولس از آن‌ها خواست برای دیگران نیز الگو باشند:

اول تسالونیکیان ۱

۷: بدین گونه شما برای همه ایمانداران مقدونیه و آخائیه سرمشقی بر جای گذاشتید،

پطرس نیز همان گونه از مشایخ کلیسا خواست که نه تنها ”گلۀ خدا را که به‌دست شما سپرده شده است شبانی و نظارت کنید...“ (اول پطرس ۵: ۲)، بلکه،

پطرس ۵

۳: نه آنکه بر کسانی که به دست شما سپرده شده اند سروری کنید، بلکه برای گله نمونه باشید،

کلمۀ یونانی مصرف شده، tupoi (به زبان انگلیسی type)، به زبان فارسی ”نمونه“ ترجمه شده است. مشایخ باید برای گوسفندان شان نمونه (الگو) باشند. عقیدۀ الگو را در سرار عهد جدید کلام خدا می‌بینیم (۱۰). راجع به موضوع الگو در نوشته های یوحنا نیز می‌خوانیم.

سوم یوحنا

۱۱: ای عزیز، بدی را سرمشق خود مساز، بلکه از نیکویی سرمشق گیر؛ زیرا نیکوکردار از خداست، اما بد کردار خدا را ندیده است.

به عبارت دیگر می‌گوید، ”شما تقلید گر هستید و تقلید خواهید کرد. نمی‌توانید از آن دست بردارید. زمانی که بچه بودید، تقلید کردن را آموختید، و در ادامه زندگی خود از دیگران تقلید خواهید کرد. پس تقلید خود را هوشیارانه و با قصد و منظور خواص بگردانید و آنچه خوب است را تقلید نمائید.“

نفوذ فرزندان ارشد خانه بطور کامل اهمیت تقلید را آشکار می سازد. فرزندان کوچکتر، طریق صحبتشان، کلمات بکار رفته، رفتار، و روحیه ای که مشاهده می کنند را برداشت می کنند. نفوذی که والدین دارند حتی قابل توجه تر است. و نفوذی که مشاور در جلسات مشاوره بکار می برد نیز اهمیت بسیاری دارد. مشاوران، در هر کاری که انجام می دهند، به طور ضمنی الگو می شوند. همچنین بعضی مواقع صریحاً الگو می شوند (۱۱). در نتیجه، برداشت الگو به منظور ترویج انضباط باید مورد توجه بیشتری قرار بگیرد.

در کتاب “چتر بزرگ” g UmbrellaThe Bi، بطور مختصر راجع به طریق آموزش مسیح از راه برداشت الگو نوشتیم:

”ابتدا توجه داشته باشید که خداوند عیسی مسیح شاگردان خود را تعیین می کند. معلم جویای شاگردان خودش و در مدرسه ای که مال خودش است می باشد. بنظر می آید که این اصل انتخاب عموماً از یاد رفته است، خصوصاً در تدریس الهیات. در زمانی که عیسی شاگردانش را انتخاب کرد، مقصود و طریق آموزش آن ها (آنچه می خواست با آن دوازده شاگرد ظرف چند سال آینده بکند) تعریف گردیده بود. او آن دوازده تن را انتخاب کرد تا ”با او“ باشند. این کلمات، ”با او“ کلیدی هستند. ممکن است بگوئید، ”من فکر می کردم می خواهد آن ها را آموزش دهد“؛ من فکر می کردم آن ها را تدریس نماید“. آیا این کار ها را نکرد؟ آیا ندیده ایم عیسی مسیح در خلوت به شاگردانش جزئیات آنچه به عموم گفته بود را شرح داد؟ آیا نخوانده ایم که او راستی را تدریس نمود. آیا ندیده ایم که در همه اوقات شاگردانش را تعلیم می داد؟ البته.

اما متأسفانه بسیاری افکار خوبی نسبت به تعلیم ندارند. فکر می کنند تعلیم تنها آن تماسی است که معلم در سهیم کردن اطلاعات می کند. البته آن قسمت بزرگی از آن هست، و آنچه من اینجا می گویم نباید بگونه ای برداشت گردد که من مخالف تدریس مفاد هستم. ما باید موضوع های لازم را تدریس نمائیم، و در واقع بیشتر از آنچه شده باید بکنیم. اما تعلیم جوانب مهم دیگری را جز تدریس مفاد داراست. بخاطر همین است که کلام خدا نمی گوید عیسی مسیح آن دوازده تن را انتخاب کرد که به آن ها تعلیم دهد. او نگفته که آن ها را انتخاب کرد تا وارد کلاس درس بشوند. نه می گوید آن ها را انتخاب کرد تا به مطالعه کتاب مشغول شده به کلاس درس او روی آورند. البته این ها همه جزء آن بود، اما توجه داشته باشید که تنها جزء آن بود. در کلمات استفاده شده معنی بزرگتری موجود است: ”او دوازده تن را تعیین کرد و آنان را رسول خواند، تا همراه وی باشند....“ فکر می کنید ”همراه وی باشند“ چه مفاهیمی را می تواند داشته باشد؟ این سه کلمه بیانگر طریق کامل تدریس عیسی مسیح می باشند. این گونه تدریس کامل می باشد. در تمام دوره خدمتش، شاگردانش می باید با او باشند تا نه تنها از طریق کلماتی که از دهانش خارج می شوند آموزش بگیرند، بلکه جوانب بسیار بیشتر.

ممکن است بگوئید، ”از کجا این را می دانید؟ فکر نمی کنید بیش از آنچه خوانده می شود برداشت کرده باشید؟“ خیر، من فکر نمی کنم، و بگذارید بگویم چرا. دلیل آنکه می گویم من تنها عقاید خودم را در این کلمات جای گزین نکرده ام این

است که جمله بکار برده شده قاطع است. عیسی مسیح خود طریق این تعلیم را دقیقاً مطابق با این برداشت نشان داد:

لوقا ۶

۴۰: شاگرد، برتر از استاد خود نیست، اما هر که تعلیم و تربیتش به کمال رسد، همچون استاد خود خواهد شد.

آیا معنی کامل این کلمات را دریافت کردید؟ او می گوید، همه کسانی که بطور کامل آموخته شده اند مانند استادشان خواهند شد. او نگفت مانند استادشان فکر خواهند کرد. این قسمتی از آن هست، اما، باز باید توجه داشت که تنها قسمتی از آن است. عیسی مسیح گفت، شاگردی که بطور صحیح (کامل) آموزش دیده، مثل ("همچون") استاد خود خواهد شد. او نه تنها مانند او فکر خواهد کرد، بلکه مثل او خواهد بود. این آیه به ما کمک می کند اصول تعلیم و تربیت عیسی مسیح را در برگزیدن دوازده شاگرد به منظور "بودن با او"، تا بتوانند خود استاد دیگران شوند را بشناسیم. او آن ها را برگزید تا پیروان (شاگردان) او باشند، تا با او بوده، در شباهت او در آیند تا مثل او تعلیم بدهند.

اما آیا این اصول کار کرد؟ آیا این تعلیمات آنها را حقیقتاً شبیه او کرد؟ شواهد پاسخ واضحی به آن می دهند. پس از آنکه عیسی مسیح از مردگان بر خواست و به بهشت صعود کرد، روح القدس را فرستاد تا به کاری که شروع کرده بود از طریق کلیسایش ادامه دهد. در اعمال ۴: ۱۳، لوقا به ما نشان می دهد دشمنان کلیسا چگونه برداشتی از شاگردانش (حال با نام رسولان) داشتند:

اعمال ۴

۱۳: چون شهامت پطرس و یوحنا را دیدند و دانستند که افرادی آموزش ندیده و عامی هستند، در شگفت شدند و دریافتند که از یاران عیسی بوده اند.

حال شواهد کامل شد. بار دیگر به آن توجه کنید: او دوازده تن را برگزید تا با او باشند. او گفت، شاگردی که بطور صحیح آموخته شده، شبیه (مثل) استادش خواهد بود. و در طول زمان دیگران متوجه شده بودند که شاگردانش، به مقدار قابل ملاحظه، شبیه او شده بودند.

تکلیف برداشت الگو

چگونه می توان برداشت الگو را جزئی از تکلیف نمود؟ با خواست گذراندن مدت زمانی در تماس با مسیحیانی که توانسته اند، برای رشد در مسیح مهارت لازم را دریافت کنند. عضویت در کلیسای محافظه کار یکی از واجبات است. تکالیف دیگر نیز برای منظور های خاص کمک می کنند. این تکالیف ممکن است چنین باشند:

شیخ کلیسا را برای صرف شام به منزل خود دعوت کنید. پس از صرف شام، از ایشان بخواهید به شما نشان بدهد چگونه پرستش خانگی را انجام می دهند.

یا،

با چهار فامیل مسیحی در کلیسای خود که مشخص است توانسته اند مسائل خود را حل کنند تماس بگیرید، و از آن ها بخواهید برای شما این کار هایشان را تعریف کنند.

یا،

با خانم و آقای — راجع به آنکه چگونه توانسته اند چنین فرزندان نیکوئی را داشته باشند، مصاحبه کنید.

یا،

نشستی را با شیخ کلیسای خود ترتیب دهید و مسئله خاصی را با او در میان بگذارید. از او بخواهید نشان بدهد چگونه قدم به قدم می توانید از کلام خدا استفاده کنید تا مسئله تان حل شود.

ارزش زیادی که آموزش از طریق استفاده از الگو دارد، این است که الگوی مورد نظر، تمام شخص را شامل می گردد. آموزش رفتار بطور قسمت بندی (رفتار در مقابل این موضوع، و رفتار در مقابل موضوع دیگر) جای خود را دارد، اما به آشکار دیدن این رفتار در شخصی که در محیط زندگی می کند، ارزش بیشتری را دارد. وقتی صحبت از رفتار های گوناگون می کنیم، بنظر فرضی می آیند و جنبه عملی که باید داشته باشند از آن کاسته می شود.

بازسازی اعتماد

راجع به این موضوع در جای دیگر صحبت شده است (زیر عنوان بخشش). در اینجا، لازم است توجه را به اهمیتی که تکلیف در بازسازی اعتماد دارد جلب می کنیم. شواهد قابل ملاحظه کوششی که خلاف کار، در ایجاد شخصیتی نو با فیض خدا می کند، همراه موفقیت هائی که در این راه کسب نموده و قابل رویتند، مهم ترین عامل ایجاد بازسازی اعتماد می باشد. معمولاً، آزمایش هائی در ابتدای کار در این راه لازم می باشند (شوهر بی وفای قبلی، وقتی تا دیر وقت باید در دفتر بماند، بی درنگ به زنش تلفن خواهد زد).

شروع تازه

بسیاری از متقاضیان متوجه تغییر بزرگی که در طی جلسات مشاوره مسیحی در وجودشان ایجاد شده می شوند. برای ایجاد نشانی از رابطه جدید که در زندگی زناشویی خود بدست آورده اند، زوجی می توانند ترتیب ماه عسل تازه ای را بدهند. این حتی می تواند ماه عسل کوتاه دو یا سه روزه باشد. بعضی از زن و شوهران تصمیم می گیرند کتب درسی مربوط به زندگی تازه را همراه خود ببرند و در آنجا عهد و پیمان ازدواج را دوباره انجام دهند.

برنامه زمان بندی شده

حال باید راجع به این موضوع مهم صحبت شود. خدا طبق برنامه زمان بندی شده کار می کند. طرح نجات خدا شامل برنامه زمانی بود. عیسی مسیح در "زمان مقرر" آمد (غلاطیان ۴: ۴)؛ مرگ او پیش بینی شده بود (دانیال ۹: ۲۰ تا ۲۷)؛ او خود گفت، "هنوز وقت من فرا نرسیده" (یعنا ۷: ۶) و بار ها راجع به "ساعت" صحبت کرده است (یوحنا ۱۲: ۲۷؛ ۱۷: ۱). از متقاضیان می توان پرسید، "اگر خدا در کارش نظم و ترتیب دارد، و شما که در شباهت او آفریده شده اید، چگونه انتظار دارید بدون نظم و ترتیب موفق شوید؟

یک نمونه از تکلیف آموزش زمان بندی می تواند اینگونه باشد: "برای هفته آینده خود، برنامه زمان بندی شده ای را تشکیلی دهید تا قسمت های مختلف زندگی شما (بطوری که کلام خدا گفته)، در راه مطابقت با خواست خدا بگردد. باید به متقاضی نیز گفت: "باید تمام کارتان در شش روز انجام شود" (شاید مجبور شوید وقت لازم برای شغل و کار های خانه را تفکیک نمائید (۱۲)). شش روز شامل شغل و کار خانه می باشد. شما باید وقت لازم را برای انجام کارهایتان فراهم کنید. وقتی چنین کردید، بسیاری از مسائل میان شما و زنتان ادامه نخواهند یافت. این کار بقدر شغلان اهمیت دارد.

بعضی متقاضیان فکر می کنند برنامه روزانه زمان بندی شده شامل ایجاد کار های جدید می باشد. اما، زمان بندی ممکن است لازمه حذف نکاتی که اهمیت کمی دارند را بکند، تا وقت کافی برای انجام کار های مهم ایجاد گردد. مشاوران باید به متقاضیان کمک کنند فهرست اولویت هایشان را فراهم کنند. شاید زمان بندی واقعی نشان دهد که برای اموری که از اولویت کمتری برخوردارند، وقت پیدا نمی شود. ممکن است بطور مثال، بعضی نشست ها را باید لغو کرد تا وقت برای خانواده پیدا شود (۱۳). اولویت های خدا هیچ وقت با همدیگر تضاد ندارند. تضاد و اقتشاش از گناه بر خواست می کند، نه از خدا.

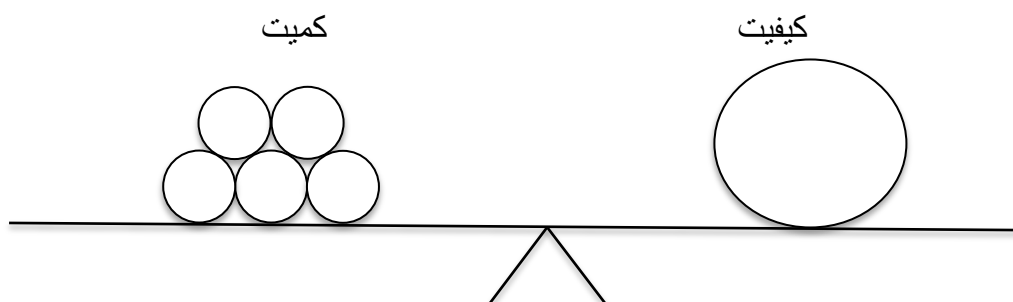
متقاضیانی که بهانه می گیرند که وقت برای انجام خواست خدا ندارند باید یاد آور شوند که وقت آن را دارند: "ما همه به یک زمان محدودیم - بیست و چهار ساعت. آنچه مهم می باشد نحوه استفاده از آن است".

فهرست انجام کاری که متقاضی در مدت سه روز، یا یک هفته (۱۴)، حقیقتاً انجام میدهد را نه تنها باید از لحاظ مقدار وقت صرف شده برای هر مورد بازرسی کرد، بلکه باید با آنچه لازم است انجام داده شود مقایسه کرد. آنوقت تغییرات لازم باید داده شود (اگر همان موقع ترتیب انجام کار داده نشود، متقاضی هیچ وقت به آن رسیدگی نخواهد کرد) تا واقعیت با کمال مطلوب، مطابقت گیرد. بعضی مواقع این کار توام با خارج کردن از برنامه و وارد کردن به برنامه می شود. تعهد و مسئولیت ها را نمی توان یکجا کنار گذاشت. اما معمولاً تغییرات لازم نیاز به عملکرد فوری و قاطع دارند (تلفن به طلب کاران برای کسب وقت بیشتر پرداخت بدهکاری).

باید از کسانی که مشکل زمان بندی دارند (و بسیاری از متقاضیان آن را دارند) خواست به هر قیمتی شده فهرست زمان بندی شده از کار هایی که خدا را جلال می دهد فراهم سازند (۱۵).

زمان بندی کار		
انجام کار های با فایده بر طبق اولویت	انجام کار های با فایده	قطع انجام کار های بدون فایده

توازن زمان، تنها تنظیم کمیت نیست، بلکه کیفیت نیز اهمیت زیادی دارد. صرف دو ساعت وقت با کیفیت (نه تنها پیش آن ها بودن) با زن و فرزندان ممکن است ارزش دو روز کار دیگری را با آن ها داشته باشد (۱۶).



در نتیجه، متقاضیان باید تشویق شوند برنامه هفتگی زمان بندی شده را بر طبق کمیت (مقدار) و کیفیت انجام دهند. کیفیت کاری که انسان انجام می دهد می تواند تاثیر بیشتری از آنکه چه مدت آن را انجام می دهد داشته باشد. سی دقیقه گفتگوی صمیمانه در مورد مسئله ای ممکن است روابطی را برای همیشه استحکام بخشد. پنج کلمه که کمتر از یک دقیقه وقت میگیرند میتوانند ازدواجی را نابود کنند.

قابلیت انعطاف

طرح برنامه زمان بندی شده خلاف تصور بسیاری، تنها راه انعطاف پذیر بودن است؛ سازماندهی تنها راه آزادی است. کسی که نظم و ترتیبی در زندگی ندارد، بعنوان مثال نمی داند چه زمانی بگوید بله، و چه زمانی بگوید خیر. او آزاد نیست مسئولیت تازه ای را بعهده گیرد یا مسئولیت گذشته را بدون شک و احساس تقصیر رها کند. چون نمی داند چه مقدار وقت لازم دارد کاری که بعهده گرفته را انجام رساند، محدود به نادانی خود می باشد. او این آزادی را ندارد که بخاطر تغییر اوضاع، مسئولیتی را با مسئولیت دیگر تعویض کند، چون برنامه ریزی نکرده و نمی داند

چه را می توان با چه تعویض کرد. در خلاصه، عدم صرف وقت لازم برای ترتیب، سازمان، زمان بندی، و برنامه ریزی، انسان را بیمناک، مقصر، و انعطاف ناپذیر می کند. چون بسیاری از مسائل بخاطر انجام نادرست و نامنظم امور زندگی ایجاد می گردند، معمولاً لازم می شود مشاوران متقاضیان را بیاموزند چگونه زندگی با منظم و زمان بندی شده را اختیار نمایند. مشاوران نباید آن را نادیده بگیرند. خدا، خدای بی نظمی نیست (اول قرنیتان ۱۴: ۳۳).

یعقوب ۳

۱۶: زیرا هر جا حسد و جاه طلبی باشد، در آنجا آشوب و هر گونه کردار زشت نیز خواهد بود.

زنان خانه داری که نظمی ندارند، شوهرانی که نیاموخته اند به درخواست وقت خود نه بگویند، کارگران تقصیر کار مسیحی که گوئی هیچ وقت کاری را تمام نمی کنند، و مردمی که قرار ملاقات را حفظ نمی کنند، همه در یک چیز مشترکند - کنترل زندگیشان را ندارند. هر آنچه دلیل زندگی نامنظم آن ها شده، الگوی بخصوص بی نظمی را باید به عنوان مسئله خاص رسیدگی کرد. خدا، خدای نظم است. کلام خدا صحبت از برنامه هایش می کند که "از بدو آفرینش" (مکاشفه ۱۳: ۸؛ افسسیان ۱: ۴؛ اول پطرس ۱: ۲۰) تهیه شده اند. او برنامه خود را طرح می کند و اجرا می کند.

مسیحیان، در بدست آوردن دوباره شباهت خدا، باید بیاموزند بی نظمی و پریشانی را از خود دور کنند (دوم تسالونیکیان ۳: ۷ و ۱۱). اما این زمانی ایجاد می گردد که عادت به افکار و زندگی منظم را به خود بی افزایند. نتیجتاً، مشاوران نیز باید خود اطمینان بدست آوردند که آموخته اند زندگی با نظم و ترتیبی که خدا را خوش می کند را دنبال می کنند. اگر اینطور نباشد، نخواهند توانست جزئیات کار را به متقاضیان آموزش دهند. طریقی که مشاوران جلسات را اداره می کنند (برنامه ریزی، نگه داری مسئولیت های زمانی، اصرار بر متقاضی که کار را بکند، ختم جلسات سر ساعت مقرر، دادن صورت وقت جلسه بعدی مشاوره به متقاضی، و غیره) نشانه توانائی یا ناتوانی زمان بندی، سازماندهی، و کنترل جریان کار می باشند. علاوه بر این، توجه به این موضوعات، از سر آغاز به متقاضی نشان می دهد که چه از او انتظار می رود، و در واقع الگوهائی را برایش مشخص می کند تا بتواند به راحتی جلسات را ادامه دهد.

اشخاص افسرده، تنبل، بیمناک، اشخاصی که مسائل همه جانبه زندگی دارند، و آنانی که زندگیشان به هم خورده، همه معمولاً نیاز به کمک در زمان بندی یا سازماندهی زندگی دارند.

آموختن نظم و ترتیب می تواند در جوانب دیگر زندگی تاثیر نیز بگذارد. وضع خانه، صورت وضع مالی، و طریقی که دانش آموزی در کلاس درس یادداشت بر می دارد، همه نمونه های مختلفی است که بی نظمی می تواند ناموثر بودن و بیهودگی را پیش آورد و نهایتاً آشفته گی و افسردگی را ایجاد سازد.

نظم و ترتیبی که مشاور (بعنوان الگو) در سازماندهی اطلاعات بدست آمده، برنامه ای که بر اساس کلام خدا ترتیب داده، و اجرای آن برای ایجاد تغییر، همه راجع به مسئله بطور ضمنی با متقاضی صحبت زیادی می کنند.

تکلیف نیز باید بر نظم و زمان تاکید داشته باشد. اگر متقاضی هیچ وقت نظم و ترتیب را نیاموخته، تکلیف باید از لحاظ زمانی مشخص باشد ("کمد لباس را این هفته خالی کرده و لباس ها را در آن مرتب جای دهید، و از این پس هر شنبه آن را بازدید کرده و نظم و ترتیب آن را حفظ کنید"؛ یا، "نامه ای در این هفته به نیلوفر بنویسید. آن را به زمان دیگر موکول نکنید چون معمولاً نامه های ده و پانزده صفحه ای می نویسید و این وقت زیادی برای خواندن می برد. نامه چند سطری

بنویسید، یا تنها یک صفحه. اما هر هفته یکی را بنویسید). معمولاً برنامه های زمان بندی شده خانگی را باید در جایی که همه فامیل به آن دست رسی دارند آویزان کرد. به این شکل همه به راحتی می توانند جریان کار را دنبال کنند. عموماً مشاوران لازم خواهند داشت کار های جدیدی را در طول جلسات به متقاضی بدهند، ابتدا کارهایی که ساده اند را بدهند و در جلسات آخر کار های مشکل تر را بدهند.

خلاصه مطالب

تکلیف خانگی اساس مشاوره مسیحی است. مشاوره که در ایجاد تکلیف خانگی وقت لازم را صرف می کند، مهارت کار را بدست می آورد. در نتیجه، سودمند شدن مشاوره اش نیز بیشتر خواهد شد. بیاموزید چگونه تکلیف خوب را طرح نمایید. تکلیفی که بر اساس کلام خدا است، مشخص و ساده است، و رابطه نزدیکی با موقعیت دارد، نیاز به صرف وقت و کوشش زیاد دارد، اما ارزش هر دو را دارد.

فهرست زیر نویس های فصل بیست و نهم

(۱) کتاب "شایستگی مشاور مسیحی" Competent to Counsel تا به حال به زبان فارسی ترجمه نشده است.

(۲) برای اطلاعات بیشتر راجع به "میز مشاوره خانگی"، در همین سایت به صفحه تکالیف، و فایل "جلسات مشاوره خانگی" رجوع نمایید.

(۳) ارتباطی که توسط آن آنچه آدم می خواهد بفهماند را انجام می رساند یا عکس العملی که می خواهد دریافت کند را بوجود می آورد، تنها ارتباط موفقیت آمیز نیست. معمولاً این دو را با هم اشتباه می کنیم. باید توجه داشته باشیم که از طریق ارتباط موفقیت آمیز، شخص می تواند (۱) پیام بدون منظور و پیشبینی نشده را ابلاغ نماید، (۲) عکس العمل ناخواسته ای را بدست آورد. اولی بعنوان مثال، سخنرانی است که صحبتش نشان می دهد که به موضوع و یا شخصی علاقه زیاد دارد، اما ظاهراً بی تفاوت و بی میلی را نشان می دهد. پیامی که با ارتباط موفق ابلاغ نمود، آنچه در کل ابراز نمود نمی باشد، بلکه دورویی او را نشان داد. در کتاب اعمال رسولان فصل ۷، موعظه استفان مثال خوبی از دومی است. استفان ارتباط خوبی را برقرار کرد، اما عکس العملی که بدست آمد با ایمان نبود. کوتاهی نه از جانب گوینده و یا شنونده بود. بدست نیآوردن عکس العمل دلخواه، بخاطر عواملی به دور از طریق ارتباط (تعصب، دورویی، غیره) بود. مسئله، اشکال رابطه نبود. موعظه استفان نوع ارتباط بسیار موفق بود (اگر تنها از نظر ایجاد ارتباط بخواهیم به آن نگاه کنیم). در مشیت الهی، استفان موفق شد شهادت خدا را علیه معلمین ناباور دین یهود بدهد.

نتیجتاً مهم است دلیل رابطه ضعیف میان افراد را عموماً در ارتباط ضعیف شناخت. از آن جایی که ارتباط ضعیف (ناتوانی در ایجاد ارتباط واضح، دقیق، جالب، و خاطره آمیز) همه

گانی است و منشع مسائل زیادی می باشد، اما منشع همه مسائل و مشکلات نیست. اما امکان دارد همه مسائل مربوط به روابط، دیر یا زود، از طریق ضعف ارتباط، عمیق و گسترده بشوند. مشاوران باید بیاد داشته باشند، این مسائل ممکن است شامل ارتباط موفق، اما ناخواسته باشند. اگر اینطور است، پس مشاور باید ابتدا به مسئله ارتباط بپردازد، نه بخاطر آن که مسئله اساسی یا عمده می باشد، بلکه بخاطر آن که صد معبری برای حل مسائل دیگر شده است. تا زمانی که ارتباط برقرار نشده، مسائل دیگر نمی توانند حل گردند، چون ارتباط آلت کار عمده ای است که خدا از آن استفاده می کند تا روابط ضعیف را اصلاح نماید.

(۴) یکی از مسائل متداول زناشوئی نقض نقش زن و شوهر می باشد. مشاوران نه تنها باید به این موضوع مهم مستقیماً رسیدگی کنند، بلکه کمک کنند تا نقش صحیح میان طرفین برقرار گردد. به کتاب من "زندگی در خانواده مسیحی"، فصل هفتم رجوع نمایید

(این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است و در در قسمت کتاب ها یافته می شود).
(۵) معلم مدرسه ای می گفت، "من ماه های اول سال را سخت می گیرم تا برنامه کار مشخص شده باشند، و بقیه سال دیگر نیازی به سخت گیری نخواهد بود. دانش آموزان زمانی که با تمام خصوصیات کار آشنا شده اند، خیالشان راحت تر است."

(۶) معمولاً لازم است در مورد زمان اجرای این جلسات هر دو به توافق برسند. نگذارید سو تفاهمی در این مورد به میان آید.

(۷) از هفته اول می توان از متقاضیان خواست فصلی از کتاب "زندگی در خانواده مسیحی" را بخوانند.

(۸) فهرست های گوناگون می توانند مورد استفاده قرار بگیرند. چند نمونه از این فهرست ها را میتوان بدین عنوان تکلیف اراعه کنید:

"فهرست مواردی که میخواهید از زنتان سپاسگذاری کنید را فراهم سازید"
"حد عقل بیست نمونه از برکاتی از در این هفته از خدا دریافت کرده اید را بنویسید"
"فهرستی از گونه های مختلفی که می توانید شوهرتان را در صدر اولویت قرار بدهید را بنویسید" (فیلیپیان ۲: ۳ و ۴).

"فهرستی از طرق مختلفی که در هفته آینده می توانید همسران را خوشنود کنید فراهم سازید. سپس روزانه یک مورد را انجام دهید" (رومان ۱۵: ۱ تا ۳).

"فهرستی از چیزهایی که می خواهید، ولی نمیتوانید داشته باشید را فراهم سازید". وقتی این فهرست تکمیل شد، مشاور همراه متقاضی هر یک را با در نظر گرفتن کلام (۱) می سنجند تا ببینند خواسته درستی هست یا نیست؛ (۲) در خصوص بدست آوردن اهداف درست چه باید کرد؛ (۳) اگر کاری برای بدست آوردن نمیتوان انجام داد، پس آنوقت چه باید کرد. توجه به حرف هایی که شمل "اگر آنوقت" می باشند بکنید، شبیه، "اگر تحصیلات دانشگاهی را می داشتم می توانستم معلم شوم؛ اگر شغل دیگری را داشتم، آنگاه وقت کافی برای خانواده ام می داشتم". آنوقت می توانید بپرسید، "آیا راه دیگری نیست تا بتوانید آن را بدست آورید؟". راه های تازه ایجاد فهرست جدید همیشه بوجود می آیند.

(۹) مسئله طلاق میان مسیحیان در این دوران به اوج خود رسیده، و هیچ مشاوره نیست که نیاز به رسیدگی به چنین موضوعی را بدست نگیرد. در نتیجه، هر مشاوره باید خود را از این لحاظ آزموده کند تا بتواند با استفاده از کلام خدا، دیگران را به طریقی که خدا می خواهد هدایت کند.

- (۱۰) اول تسالونیکیان ۱: ۶؛ فیلیپیان ۴: ۹؛ ۳: ۱۷؛ اول قرنتیان ۴: ۱۶؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۰؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۹؛ اول تیموتائوس ۴: ۱۲؛ تیتوس ۲: ۷؛ عبرانیان ۱۳: ۷؛ اول تسالونیکیان ۱: ۷؛ سوم یوحنا ۱۱، و غیره.
- (۱۱) خصوصاً به کلام عیسی مسیح در لوقا ۶: ۴۰ ب توجه کنید: ”اما هر که تعلیم و تربیتش به کمال رسد، همچون استاد خود خواهد شد“. برداشت الگو اهمیت اصل ”همراه وی“ (که در مرقس ۳: ۱۴ آمده) را نشان می دهد. کلام خدا تدریس و مشاوره را در شخص می گنجاند، بگونه ای که باید باشد. توجه به رابطه نزدیکی که در کولساین ۳: ۱۶ و ۱: ۲۸ می بینیم بکنید.
- (۱۲) تعمیر درب خانه، چمن زنی، تعمیر اسباب بازی فرزند، بازی با بچه ها، همه شامل کارهای شش روزه می باشند. کسانی که شش روز در هفته را صرف شغلشان می کنند، ممکن است لازم باشد برنامه شان را تغییر دهند، یا حتی شغلشان را عوض کنند تا بتوانند ”تمام کارشان“ (خروج ۲۰: ۹) را انجام دهند.
- (۱۳) نباید اجازه داد جلسات کلیسائی سدمه به خانواده بزنند. بسیاری از جلسات تنها برای افراد بخصوص اهمیت دارند؛ ما نباید لزوماً همه را در این جلسات دخالت دهیم، بلکه تنها کسانی که باید حضور داشته باشند.
- (۱۴) از دفترچه کوچکی که در جیب جای می گیرد می توان استفاده کرد و در موقع شروع هر کاری نام کار و ساعت شروع آن را در دفترچه ثبت کرد. و با شروع کار بعدی نیز همین عملیات را تکرار کرد.
- (۱۵) نکاتی چون وقت برای همسر، دعا، کلیسا، کمک به دیگران، خانواده، شغل، رشد شخصی، خواب، ورزش، معاشرت، و غیره، تعیین کنید. فراموش نکنید که وقت برای پیش آمد های غیر منتظره را نیز بگنجانید. وقت برای استراحت و خوشگذرانی اهمیت زیادی دارند.
- (۱۶) وقت گذراندن تنها ممکن است غربت و بیگانگی را میان خانواده ایجاد کند. تمام وقتی که با خانواده صرف می شود باید شامل برنامه باشد، حتی وقت برنامه استراحت.